



ادبیات سوم دبیرستان

معنی لغات



 @icarbon

 @carbon_team

 www.icarbon.ir

 ۰۲۱۸۸۷۱۸۳۷۱

 ۰۲۱۸۸۱۰۹۶۸۷



برای انتخاب هر مبحث ، روی شکل کتاب جلوی آن کلیک کنید .

✓ لغات

- درس ۱
- درس ۲
- درس ۳
- درس ۴ و ۵
- درس ۶
- درس ۷
- درس ۸
- درس ۹ و ۱۰
- درس ۱۱ و ۱۲
- درس ۱۳
- درس ۱۴
- درس ۱۵ و ۱۶
- درس ۱۷ و ۱۸ و ۱۹
- درس ۲۰ و ۲۱ و ۲۲
- ✓ تماس با ما

فهرست





درس ۱



معنی	کلمه
تندرو	تکاور
محل جنگ	آوردگاه
ستایندگان	واصفان
زیور و زینت	حلیه
نسبت داده شده	منسوب
گریبان، یقه	جیب
غرق شده	مستغرق
مقایسه	قیاس
عمارت گنبدی شکل	قُبّه
شرع ، سایبان ، پیشگاه خانه (ایوان طبقه دوم)	رواق
آویز زینتی	طاسک
اسب زرد، کند	سمند
دست موی جلوی پیشانی	طُرّه
اسب سرخ یا قهوه ای تیره	کهر

معنی	کلمه
نزدیکی (غربت: دوری)	قربت
گناه، کوتاهی کردن	تقصیر
سفره، مرحله	خوان
نصب شده (منسوب: نسبت داده شده)	منصوب
آشکار، واضح، زشت	فاحش
بلند	باسق
آنچه موجب افتخار است	مَفخَر
برگزیده، خالص	صَفَوَت
به جای مانده، باقی مانده	تَمّه
دارای نشان پیامبری	وسیم
توبه، بازگشت به سوی خدا	انابت
روی برگرداندن	اعراض
التماس، زاری	تعرّض
جشن، مجلس شراب	بزم
لایه، تکه، پاره ، چرم، پوست	دوال



درس ۲



کلمه	معنی
لابه	التماس ، تضرع ، اظهار نیاز
هور	خورشید (حور : مرد و زن زیبا)
فر	شکوه ، شوکت ، شان (فرّه : فروغ تعالی بخش ایزدی)
سهی	کشیده
ستور	چهارپا (سطور : نوشته شده ها)

کلمه	معنی
فتراک	ترک بند ، تسمه و دوال اسب
ترکش	تیردان
بزم	جشن ، مجلس شراب
دوال	لایه ، تکه ، پاره ، چرم ، پوست
تگاور	تندرو
آوردگاه	محل جنگ
برگستوان	لباس جنگی اسب
پشته	تپه
گز	نوعی درخت با چوب بسیار سخت
رز	زهر ، سم مهلک (درخت)
مغاک	گودال
درست	سالم ، زنده



درس ۳



معنی	کلمه
گروه ، دسته (پارچه نخی)	قُماش
همین الان	السَّاعه
قصد شکار کردن دارد	عزیمت شکار می دارد
محافظت ، نگهداری	صیانت
روش ، راه ، شیوه ، ترتیب ، مُط	نَسَق

معنی	کلمه
درخواست	استدعا
لجبازی	سماجت
دنیاهای	عواالم
اعتنا کردن	بذل توجّه
دادگستری	عدلیّه
گوسفند یک ساله	شیشک
الهه ، مظهر ، پروردگار نوع	ربّ النّوع
بیهوده ، بی معنی	مهمل
صنعت و هنر	صناعت
لرزش و ترس	رعشه
هم دم	محشور
کج رفتن ، بی راه رفتن	خبط
کالا (مُطاع : فرمانروا ، اطاعت شده)	متاع



درس ۴ و ۵



معنی	کلمه
سعادت ، نام درختی در بهشت	طوبا
با جدیت و آمرانه	با تحکم
زشت ، ناهنجار ، درشت	زُمت
سقف خمیده و گنبدی شکل ، تک (تاق : درختچه کویری)	طاق
ضربه با آرنج برای هشدار	سُقلمه
فرسوده ، رنگ و رو رفته ، کهنه	قراضه
تاوان ، جریمه	توئون
کنایه از اندیشه و قصد انجام کاری را کردن	به صرافت افتادن
ستایش (سنا : نور و روشنایی)	ثنا
اراده کرد (خواست : بلند شد)	خواست
درمانده ، ناتوان	عاجز
نعمت دادن	انعام



درس ۶



معنی	کلمه
اتفاق	عارضه
کاسه (طاس : کچل)	تاس
پارچه ی نازک کتانی	توز
کارهای مهم	مهمات
نامه ی کوچک	رُقعت
جنگ	غزو
زمین زراعی (ضیعتک : زمین زراعتی کوچک)	ضیعت
پاداش ، جایزه ، پاداش	صَلت
گناه	وِزر
بزرگ ، سردار ، سرور	عَمید
دانه ی جو ، مال اندک	حطام
بی شک	بی شبهت

معنی	کلمه
خدمتکار ، چهارپا	حَشَم
هنگام صبح	چاشتگاه
سایبان ، خیمه	شِراع
بساط را پهن کردند ، بستر ها را فراهم کردند ، گستردنی ها را گستردند	جامه ها افگندند
می خواست غرق شود	غرقه خواست شد
فریاد ، آشوب ، فتنه	هزاهز
سروصدا	غریو
جشن ، شادی (ثور : گاو نر) (صور : صدا ، بوق)	سور
بزرگان	اعیان
همراه	مقرون
امضاء ، فرمان	توقيع
بی قراری	سرسام
پنهان	محبوب



درس ۷



معنی	کلمه
نوعی کفش	موزه ی میکائیلی
چهارپایان (سطور : نوشته ها ، خط ها ، سطرها)	ستوران
زیر لب از خشم غر می زد ، غرولند ، غضب	بر خویشتن می ژکید
از کوره در رفت	نیک از جای بشد
پر شده ، انباشته ، مملو ، انباشته	مشحون
گفت و گو	مجاورات
طناب ، ریسمان	رسن
افسار	عنان
بی وفا	غدار
برگزیده ، صفوت ، مهابت ، وقار ، حشمت	سپوت
بی هوده ، بی حاصل	عبث
حواله ، پیغام (تازه برات : رحمت خداوند)	برات

معنی	کلمه
بیهوده	گزاف
خوی ها و منش ها	خصایل
بزرگی	حشمت
فتنه انگیزی ، دو به هم زنی	تضریب
بدخویی	زعات
در سرشت او تثبیت شده	در طبع وی مؤکد شده
درد (علم : پرچم)	الم
بدگویی	وقیعت
لباس گشاد (لباس مردم عادی)	جبه
عمّامه	دستار
جامه ی پارچه ای گشاد	ردا
کبود رنگ	حبری رنگ
کهنه ، ژنده	خَلق گونه
بالاپوش ، لباس زاهدان	درّاعه



درس ۸



معنی	کلمه
کوچ ، سفر	رحیل
کنایه از آماده ی حرکت	پا در رکاب
تندرو (رهبر) ، فراخ گام ، خوش راه	راهوار
شیطان	اهریمن
دشت	هامون
واجب	فرض
منطقه ی بین اردن و سوریه	جولان
تاخت و تاز کردن	به جولان راندن
پیشرو	چاووش
بیابانی در جانب راست کوه طور که آنجا ندای حق به موسی رسید	وادی ایمن
لقب حضرت موسی	کلیم

معنی	کلمه
راستگو (صدیق : دوست) (صداق : مهریه)	صدیق
کنایه از استقبال	بازو گشوده بود
آواز اسب	شیهه
نیلی رنگ ، کبود رنگ	نیلگون
دردناک ، رنج آور	تأثر آمیز
ناسزا فحش	دشنام
گیرا ، جذاب	نافذ
ترویج ، گسترش	اشاعه
تکیه گاه ، مقام ، مرتبه	مسند
بیرون کشیده	آخته
درنگ ، آهسته	تأنی
دَرای ، زنگ کاروان	جرَس
روستایی در فلسطین	دیر یاسین



درس ۹ و ۱۰



معنی	کلمه
کجاوه که بر شتر بندند ، هودج	محمل
دوری ، جدایی	فرقت
بدرفتار ، کژ رفتار	کژخیم
بخشش	موهبت
امان ، آگاه باش ، مراقب باش	زنهار
روزگار	دهر
عابد مسیحی	راهب

معنی	کلمه
آسوده (فارق : جدا کننده)	فارغ
بسیار زیاد	زاید الوصف
یاران (سحاب : ابر)	صحاب
گیج گاه	شقیقه
پا فشاری (اسرار : رازها)	اصرار
زیباییها ، در اینجا موهای صورت مردان	محاسن
جنگ	حرب
صحاب ، یار	صحابه
توان ، باقی جان	رمق
روش ، شیوه ، نمط	نَسَق



درس ۱۱ و ۱۲



معنی	کلمه
ریش خند ، بیگاری (صخره : سنگ)	سُخره
غذای گوشتی	قلیه
خواب های پریشان	أَضْغاثِ احلام
دوری ، جدایی	فرقت
غم و اندوه ، تحمل رنج	تیمار
زخمی، زخم شده	خلیده
درختی با چوب خوش بو	عود
درختی با چوب مرغوب	ساج
خوش ، بدیع ، نیکو ، لطیف ، خوب (نقض : شکستن)	نغز
در اینجا یعنی اسرار عشق	سر به مهر



درس ۱۳



معنی	کلمه
ساکت (تخلص مولانا)	خَمْش
دسته موی جلوی پیشانی	طَرّه
ناز و کرشمه	عشوه
بنا ، ساختمان (امارت : سرزمین ، قبیله)	عمارت
غزنویان ، نام یک قبیله	غزان
کوتاهی	نقصان
عیب ، ننگ	عار

معنی	کلمه
مهمان خانه (ضیافت : مهمانی)	مضيف
پیروز ، چیره (قالب : کالبد)	غالب
کنایه از متوسل شدن	حلقه ی در شدن
اشاره با چشم و ابرو	غمزه
اشاره کننده با چشم و ابرو	غمّازه
سرخاب	غازه
شتر ماده	ناقه
شتر تندرو	جمّازه
دست یافتن به گنج (ظرف نگهداری طلا)	حقّه زر



درس ۱۴ قسمت اول



معنی	کلمه
یاری ، همکاری	معاونت
طبق	بر حسب
کنایه از گریست	زه آب دیدگان بگشاد
توجه	التفات
بهتر است	اولی تر
برعهده گرفتن	تکفل کردن
پیروی	مناصحت
پشتیبانی	مظاہرت
بزرگی	سیادت
سستی ، فرو گزاری	اهمال
آسایش	فراغ
سرزنش کنندگان	طاعنان
سرزنش ، بدگویی	وقیعت
روش	سیرت

معنی	کلمه
شکارگاه	مُتَصِدِّ
خرم و باصفا ، خوش آب و هوا (نزهتگه : تفرجگاه)	نَزِه
گیاهان خوش بو	ریاحین
دام ، تله	جال
طوق دار ، دارای گردنبند ، پرنده ای با خط های سفید و سیاه	مُطَوِّقَه
محافظت ، تحمل غم	تیمار
با ناز راه رفتن	گُرازان
شروع به دویدن کرد	به تگ ایستاد
شروع به تعقیب کرد	در پی ایشان ایستاد
پشت سر	قفا
نتواند ما را ببیند	نظر او از ما منقطع گردد
نا امید ، بی بهره	خایب
زیرکی ، هوشمندی	دَها



درس ۱۴

قسمت دوم



معنی	کلمه
دوستی	مودت
اعتماد ، اطمینان	ثقت
تمایل	رغبت
گرداب	ورطه
دوستی ، محبت	مودت
آزاد ، رها شده	مطلق
عمق ، ژرفا ، دو	تک
معلوم	عیان
غرور ورزیدن	منی کردن
طرف (زی : لباس) (ذی : صاحب)	زی
دوری (فراغ : آسایش)	فراق
خیاط	درزی



دروس ۱۵ و ۱۶



کلمه	معنی
اهمال	سستی و فروگزاری
امهال	مهلت دادن
ثناگو	ستایش گر
قامت فریاد بستن	کنایه از شروع به کاری کردن
تذرو	قرقاول (نام پرنده)
قهر	غلبه ، خشم ، چیرگی
دوباره پلک دلم می پرد	کنایه از بی قراری ، اضطراب (اشاره به باور عامیانه آمدن مهمان)

کلمه	معنی
زایل شدن	نابودی ، از بین رفتن
زوال	نابودی
مهیب	ترسناک
خلود	جاودانگی
غدیر	آبگیر
اوراد	جمع ورد ، دعاها
فراست	زیرکی
فراغ	آسایش
روضه	باغ ، بهشت
فیروزه فام	فیروزه رنگ
خطوات	گام ها (جمع خطوه)
مکاس کردن	چانه زدن
صره	کیسه



دروس ۱۷ و ۱۸ و ۱۹



معنی	کلمه
اسب سرخ مایل به قهوه ای تیره	کهر
اسب بور	کرنند
بخشش ها	مواهب
گلیه (گرده : قرص نان)	گرده
گناه ، بزه	جُحه
شبدری که دوبار پس از رویدن چیده شده باشد	شبدر دوچین
اسب خال دار	ابرش
سفره	بساط
نام درختی با گل های زرد	بلوط
نزاع و دشمنی	مخاصمت
یاری ، کمک	اعانت
دوستی	مصاحبت
کاروان سرا	رباط
کنایه از نهایت بی وفایی	عروسی که در عقد بسی داماد است

معنی	کلمه
بلبل ، عندلیب	هزار
بافنده و ریسنده ، عنکبوت ، نساج	جولاهه
پادشاه به آن فکر افتاد	امیر را خاطر به آن شد
زمین ها	اراضی
اخمو	عبوس
مردمک چشم	حدقه
واحد طول معادل ۱۰۱ سانتیمتر معادل ، ذرع	گز
گلّه	رمه
خشکی	جمودت
جیغ (در جشن)	قیه
خون بسته و لخته	علق
عشوه (اشاره با چشم و ابرو)	غمزه
برجستگی جلوی زین اسب (قاچ)	قاش
سنش بیشتر باشد	به زاد بیشتر



دروس ۲۰ و ۲۱ و ۲۲



معنی	کلمه
گرم ، سوزان ، با حرارت	تفت
سرزنش	عتاب
نواری که به ساق پا می پیچند	پاتابه
شیوه ، صلح ، سازش	اصطلاح
مسئولیت (در معنای عرفانی عشق)	امانت
دوش ، کتف	سُفَت
در ساختن هر چیز از واسطه و وسیله ای استفاده کرد.	وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد
نزدیکی	قُرْب
اطاعت کردن ، فرمان بردن	طوع
خدایی	الوهیّت
ساختن	تعبیه کردن
سزاواری	استحقاق
دریافت چیزی با نشانه	تقرّس
یک چشم نگریستن (اعورانه در این درس یعنی فقط بعد جسمانی انسان را دید)	اعورانه

معنی	کلمه
دو ستاره ، دَبّ اکبر	فرقدان
تنگنا ، کار سخت و دشوار	مضیق
از دل و جان ، بدون تردید	عین الیقین
آشکار	عیان
دانایان	اولی الابصار
مجلس شراب	بزم
نوازنده	مطرب
موبد (روحانی زردشتی)	مُع
کمربندی که زرتشتیان یا مسیحیان بر کمر می بستند تا از مسلمانان شناخته شوند (شال)	زَنار
کفش چرمی (چارقد: رو سری سه گوش)	چارق
روش ، طریقه	نمط
بیهوده (گیاهی بی مزه و بیهوده ، مثل آدامس)	ژاز
یک مشت از هر چیز	قبضه
مهربانی ها	الطاف



تماس با ما



@*icarbon*



@*carbon_team*



icarbon



www.icarbon.ir



۰۲۱۸۸۷۱۸۳۷۱



۰۲۱۸۸۱۰۹۶۸۷

یوسف آباد ، خیابان فتحی شقاقی ، بین چهل ستون و اسد آبادی ، ساختمان سبز ،
پلاک ۵۰ ، طبقه دوم ، واحد ۱۲





پایان

